

سوئد (به سوئدی: Sverige به تلفظ اسوئریه)، کشوری است در شمال اروپا در شبه‌جزیره اسکاندیناوی. از غرب با کشور نروژ، از شمال شرق با کشور فنلاند، از شرق با خلیج بوتنیا، از جنوب شرقی با دریای بالتیک و از جنوب غربی با کشور دانمارک همسایه است. نام این کشور در فارسی از نام آن در زبان فرانسوی (Suède) گرفته شده است. پایتخت این کشور شهر استکهلم است. سوئد با مساحت ۴۴۹،۹۶۴ کیلومتر مربع، سومین کشور بزرگ اروپا از نظر مساحت می‌باشد. جمعیت سوئد بیش از ۹،۲ میلیون نفر است که تقریباً ۷،۹ میلیون نفر آن را سوئدی‌ها تشکیل می‌دهند. این کشور با تعداد ۲۰ نفر در هر کیلومتر مربع از تراکم جمعیت پایینی برخوردار است که بیشتر این جمعیت نیز در جنوب سوئد مستقر هستند. همچنین بیش از ۸۵٪ مردم سوئد در ناحیه شهری زندگی می‌کنند. کشور سوئد از حکومت مشروطه برخوردار بوده و دولت به شکل پارلمانی اداره می‌گردد. پادشاه در این کشور مقامی تشریفاتی است و کشور توسط نخست وزیر اداره می‌شود. سوئدی‌ها جزو شهروندانی در جهان هستند که از کیفیت بالای زندگی برخوردارند. نرخ بیکاری آن پایین است و اقتصاد آن بر پایه مشارکت مردم در سرمایه‌گذاری‌ها استوار است.



زبان:

مردم سوئد همراه با مردمان نروژ، ایسلند و دانمارک از شاخه ژرمنی اقوام هندواروپایی بوده و تبارشان به وایکینگ‌ها می‌رسد. زبان سوئدی از خانواده زبان‌های هندواروپایی شاخه ژرمنی است و با زبان‌های نروژی و دانمارکی نزدیکی دارد. این سه زبان بسیار به هم نزدیک بوده و اغلب گویشوران آن‌ها می‌توانند هر کدام به زبان خود با هم ارتباط زبانی برقرار کنند. زبان سوئدی، زبان رسمی کشور سوئد می‌باشد. در برخی نواحی شمالی کشور، به زبان فنلاندی نیز تکلم می‌گردد. تعداد ۴ زبان اقلیمی اعم از فنلاندی، تورندال، رومانی (زبان کولی‌ها) و بیدیش (زبان یهودیان) در کشور سوئد تکلم می‌گردد. شهروندان سوئدی تا حدود معینی در تعامل با دستگاه‌های دولتی از حق استفاده از این زبان‌ها برخوردار بوده و هم چنین درخصوص مراقبت‌های کودکان و بزرگسالان از حق استفاده از زبان‌های فنلاندی و سامی نیز برخوردار می‌باشند.

پیشینه تاریخی:

تاریخ این کشور مانند اکثر کشورهای باستانی آغازی آمیخته با افسانه‌ها و اسطوره‌ها دارد، دوره هائی که پادشاهان و حکمرانان قهرمانان افسانه‌ای بشمار می‌آمدند. حدود دو هزار سال قبل، یخهای متراکم شبه جزیره اسکاندیناوی شروع به ذوب و بتدریج از شمال به جنوب عقب نشستند. در آن زمان مردمی در شمال آلمان امروزی و جنوب اسکاندیناوی زندگی می‌کردند که ما از اصل و منشا آنها بی خبریم، آنان بدنبال یخ‌ها به راه افتادند و ناگهان سرزمینی یافتند پوشیده از جنگل‌های انبوه و مملو از دریاچه‌ها، برکه‌ها و آبگیرها. قدیمی‌ترین نوشته‌ها حکایت از قومی نیرومند بنام آسورها در این سرزمین می‌نماید، این قوم به دارا و فقیر تقسیم شده بودند و روسا و سرکردگان آن به ثروت خود اتکا داشتند. آسورها از شاه یگانه‌ای به سیستم شاه – کاهنی پیروی می‌کردند و به پادشاه به چشم یک روحانی بزرگ نگاه می‌کردند و قدرتشان به ویژه به سازمان نیروی دریائی آنها بستگی داشت. یک یورش بزرگ و سخت و ویرانگر از سوی این اقوام شمالی، اسکاندیناوی و اروپا را فرا گرفت. شمالی‌ها که وایکینگ نامیده می‌شدند کشورهای اروپائی و شهرها را مورد تاخت و تاز خود قرار دادند، هر جا را که توانستند غارت کردند، در آنجا که توانستند به داد و ستد و تجارت پرداخته و گاه در آنجا ساکن گردیدند. این قبائل شمالی که بعدها نرمن نامیده شدند تا حدود مدیترانه پیش رفتند و با کشتی‌های خود در داخل رودهای بزرگ حرکت نموده و به هر کجا که وارد گردیدند آن را ویران نموده و ساکنین آن نقاط را قتل عام نموده و اموال آنان را غارت نمودند. این راهزنان و آدمکشان ناحیه شمال غربی فرانسه را که امروز نرماندی نامیده می‌شود متصرف شدند، همچنین جنوب ایتالیا و سیسیل را بتصرف خود درآوردند و بتدریج در این نقاط مستقر و ساکن گشتند و بصورت مالکان و اشراف بزرگ درآمدند. کلمه وایکینگ که از ریشه ویکن به معنای خلیج گرفته شده به مردمی اطلاق میشده که در اطراف آبگیرهای اسلو زندگی مینموده‌اند، علت تجاوزها و یورش‌های وایکینگ‌ها را عده‌ای بخاطر ازدیاد جمعیت و عدم کفایت محصولات کشاورزی دانسته و گروهی معتقدند که رفاه و ثروت زیاد و ماجراجوئی‌های آن قوم علت آن بوده‌است. حملات وایکینگ‌ها منجر به چندین بار فتح انگلستان و بخش هائی از فرانسه گردیده و تجاوزات آنان تا قسطنطنیه و حتی دریای خزر و مرزهای ایران نیز توسعه یافت. در حدود سالهای ۱۰۰۰ میلادی سوئد سازمانی کاملاً ساده داشت، سازمانی که از مدتها قبل آن را حفظ کرده بود، کشور در وجود شاه تشخص می‌یافت، اما در عین حال پادشاه بر اساس آداب و سنن و برخی قوانین و مقررات سلطنت می‌نمود و موظف به رعایت آنها بود. سرزمین سوئد از ایالت‌های گوناگونی تشکیل می‌گردید که این ایالت‌ها با هم پیوندهائی داشتند، در امور داخلی این ایالات خود مختار بودند. در سطح کشوری مجمع همگانی بنام تینگس (Tings) وجود داشت که موارد خاصی مانند جنگ و صلح وظیفه اصلی آن بوده و تعیین انواع مالیات و میزان آن کار بعدی آن را تشکیل می‌داد، تصویب و اجرای قوانین و احکام قضائی و حقوقی نیز در وظایف تینگس قرار می‌گرفت. پادشاه علاوه بر مقام سلطنت مقامی روحانی نیز داشت، این مقام از طرف تینگس به پادشاه تفویض می‌گردید، مقام روحانیت شاه تا زمان مسیحیت ادامه پیدا نمود ولی در قرون وسطی این نظام به هم ریخت و شاه قدرت کامل را به خود اختصاص داد. در قرون وسطی، با ورود مسیحیت به سوئد مناقشات و درگیری‌های دامنه داری میان پیروان مسیحیت و طرفداران آئین‌های سنتی آغاز گردید، نمونه‌ای از نتیجه‌های این درگیری‌ها اخراج اینگه پادشاه وقت از مجمع تینگس توسط توده‌های خشمگین ملت بود، یکی از نزدیکان اینگه تعهد نمود که با انجام مراسم قربانی برای خدایان آنها را به سر مهر آورد و با این تعهد به جانشینی اینگه برگزیده گردید. در اوائل قرن دوازدهم پادشاهی به نام اسورکر به سلطنت رسید، وی فردی مسیحی از فرقه گریگوریان بود، بر اساس دستورات این فرقه کلیسا قدرتی مافوق مردم و قوانین داشت، اسورکر در یک بامداد نوئل وقتی برای ادای نماز به کلیسا می‌رفت بوسیله یکی از خدمتکارانش به قتل رسید، پس از او اریک یدوارسون به سلطنت رسید وی دودمانی را بنیان گذاشت که به سلسله اریک معروف می‌باشند، سیمای تاریخی اریک با افسانه و مذهب درآمیخته، هر کار نیکی که انجام می‌گردید به او نسبت داده می‌شد، اریک در روز معراج مسیح توسط یک شاهزاده دانمارکی به قتل رسید و به لقب شهید معروف گردید. در دوران سلطنت کنوت، پسر اریک، ارتباط ویژه‌ای میان دو کشور آلمان و سوئد برقرار گردید، این ارتباط با ورود عده‌ای از معدنچیان آلمانی که کنوت فعالیت آنها را برای صنعتی نمودن کشور لازم می‌دانست آغاز گردید، این معدنچیان پیشروان صنعتی شدن کشور سوئد گردیدند. بعد از کنوت یکی از مشاوران او بنام بیرجر یارل به سلطنت رسید، اولین اقدام بیرجر ایجاد وحدت سراسری کشور بود، وی پادشاهی بود قانون گذار، از قوانین این پادشاه می‌توان از قوانین مربوط به خانواده،

قوانین مربوط به کلیسا، قوانین ارث (بر اساس یکی از مواد این قانون دختران یک دوم پسران می‌توانستند ارث ببرند) نام برد. بیرجر یارل، بانی شهر استکهلم می‌باشد.

در گذشته نه چندان دور، تا اواخر قرن هجدهم میلادی، سوئد یکی از فقیرترین کشورهای اروپا بود، اما بعدها دوران رشد اقتصادی سوئد آغاز شد. بعد جنگ جهانی دوم این رشد اقتصادی شتاب بیشتری بخود گرفت. درآمد خالص ملی کشور بالا رفت، شکوفائی رشد اقتصادی بوجود آمد. درآمد کشور سوئد مثل دیگر کشورهای نسبتاً کوچک صنعتی، وابسته به صادرات تولیدات صنعتی است که در حال حاضر از رشد بالائی در توازن بین صادرات و واردات برخوردار است. تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۰۶ میلادی ۱/۲۹۰ میلیارد دلار بود و رشدی ۵/۴ درصدی را نسبت به سال پیش از آن نشان می‌داد. نرخ بیکاری این کشور ۶/۵ درصد است. آماري از جمعیت زیر خط فقر این کشور در دسترس نیست اما به نظر می‌رسد این آمار نباید چندان بالا باشد. تورم در این کشور ۴/۱ درصد است. ۳۵ درصد از محصولات صادراتی این کشور را ماشین‌آلات تشکیل می‌دهد و بقیه شامل وسایل نقلیه موتوری، کاغذ و مشتقات آن، چوب، محصولات آهنی و فولادی و مواد شیمیایی است که به کشورهای آلمان (۸/۹ درصد)، آمریکا (۳/۹ درصد)، انگلستان (۱/۷ درصد)، دانمارک (۹/۶ درصد)، فنلاند (۶ درصد)، فرانسه (۹/۴ درصد)، هلند (۷/۴ درصد) و بلژیک (۵/۴ درصد) صادر می‌شود.

کشور سوئد به ۲۵ استان (به سوئدی: Län) تقسیم می‌شود:

منطقه لاپلاند - بلکینگ - بوهوسلن - دالارنا - دالس لند - گوتلند - گستریکلاند - هالاند - هلسینگلاند - هریدالن - یمتلاند - لاپلاند - مدلیاد - نوربوتن - نرکه - اسکونه - اسمالند - سودرمانلاند - اوپلاند - ورمالاند - وستمانلاند - وستربوتن - وسترگوتلند - انگرمانلاند - اولاند - اوسترگوتلند

چند نکته:

1- بر اساس تحقیقات سازمان بین المللی قهوه، سوئد بعد از فنلاند در زمینه مصرف قهوه توسط هر فرد رکوردار است. نوشیدن قهوه در این کشور یک رسم معمول است که از آن با عنوان "فیکا کردن" نام می‌برند و بین دوستان، اعضای خانواده، همکاران و همکلاسی‌ها اتفاق می‌افتد. البته الزاماً اینطور نیست که در همه این فیکاکردن‌ها فقط قهوه نوشیده شود. این نوشیدنی می‌تواند قهوه، چای یا هر نوشیدنی گرم و سرد دیگری باشد. آنچه که برای غیرسوئدی‌های ساکن این کشور عجیب به نظر می‌رسد تکرار رسم فیکاکردن طی هر روز است؛ علاوه بر اینکه گرفتن و نوشیدن یک فنجان قهوه بعد از صبحانه، ناهار و قبل و بعد از شام هم توسط سوئدی‌ها چندان غیرمعمول نیست.

2- در داروخانه، مطب دکتر، بیمارستان، بخش اطلاعات کتابخانه دانشگاه، بانک و بسیاری از مکان‌های دیگر باید ابتدا یک شماره بگیرید و منتظر بمانید تا نوبت رسیدگی به کار و درخواست شما سر برسد. در بسیاری از این مکان‌ها حتماً می‌توانید یک دستگاه کوچک پیدا کنید که به شما بلیطی ارائه می‌دهد و شماره‌ای روی آن بلیط نوشته شده است. شما بر اساس شماره‌ای که دریافت کرده‌اید می‌توانید بفهمید چه تعدادی زودتر از شما در صف رسیدگی به درخواست هایشان قرار دارند و شما چقدر باید منتظر بمانید. وقتی شماره شما روی صفحه بزرگی نمایش داده شد می‌توانید به باجه مورد نظر مراجعه کنید.

3- اگرچه بسیاری از سوئدی‌ها به خوبی انگلیسی را می‌دانند و به این زبان مسلط هستند و اگرچه شما از بابت صحبت به این زبان در سوئد دچار مشکل نخواهید شد اما اگر می‌خواهید شانس زندگی بهتری را در سوئد به دست بیاورید به مراکز آموزش زبان سوئدی به مهاجران مراجعه کنید و از امکانات یادگیری زبان سوئدی به صورت رایگان بهره‌مند شوید.

4- بسیاری از فروشگاه ها تا قبل از ساعت ۷ شب تعطیل می شوند. همچنین در روزهای تعطیل شما به زحمت می توانید فروشگاه‌های پیدا کنید که تا این ساعت از شب باز باشد. یکی از دلایل زودبسته شدن فروشگاه ها در سوئد این است که مردم این سرزمین معتقدند: یک سوئدی برای اینکه زندگی کند کار می کند، او زنده نیست تا کار کند. بنابراین تقریباً معمول است که بسیاری از سوئدی ها کار روزانه خود را تا ساعت 5 بعد از ظهر انجام می دهند و آن را به پایان می رسانند. شما بهتر است در این شرایط خریدهای خود را تا ساعت ۵ و حداکثر تا ساعت ۶:۳۰ بعد از ظهر انجام دهید.

5- هنگامی که از برابری جنسیت سخن به میان می آید، سوئد یکی از پیشروترین کشورها است که در آن مردان زمان بسیاری برای ماندن در خانه و نگهداری از کودکان و نوزادان صرف می کنند. زوج ها تا ۴۸۰ روز می توانند از مرخصی برای نگهداری نوزاد برخوردار باشند و این مدت زمان بین پدر و مادر قابل تقسیم بندی است. به همین دلیل اصلاً عجیب نیست اگر شما پدرانی را ببینید که با کالسکه بچه در خیابان راه می روند و با پدران دیگر که در شرایط مشابه هستند فیکا می کنند یا ناهار می خورند.

6- سوئدی ها عاشق این هستند که از خانه بیرون بروند، پیاده روی کنند و قدم بزنند. در تمام طول سال این کمترین لذتی است که آنها می توانند از حضور در کنار رودخانه، جنگل و دریا ببرند و زیر درخشش آفتاب قدم بزنند. دولت سوئد این کار را برای مردم آسان کرده و شرایطی به وجود آورده است که در آن مردم می توانند برای چادر زدن و پیاده روی در هر منطقه ای حتی مناطق خصوصی آزاد باشند مگر اینکه در آن منطقه نشانه ای مبنی بر ممنوعیت این کارها وجود داشته باشد. در تمام طول تابستان شما می توانید مردم را در حال چادر زدن و پیاده روی در مناطق مختلف ببینید؛ این در حالی است که در زمستان اوقات خود را به اسکی کردن می گذرانند. از سوی دیگر قوانین، مردم را مجاب می کنند که در برابر طبیعت، مالکان منطقه های مختلف، گیاهان، جانوران و تمام نشانه های حیاتی مسئولیت پذیر باشند. همچنین این آزادی به این معنی نیست که آنها می توانند برای هفته ها در یک منطقه چادر بزنند.

7- چندان غیرمعمولی نیست اگر شما در ماه جولای با تعطیلی بسیاری از شرکت ها و موسسه ها مواجه شوید. زیرا بسیاری از آنها کارمندان خود را برای ۴ تا ۶ هفته به تعطیلات تابستانی می فرستند بنابراین انجام سفرهای اداری در این ایام توصیه نمی شود.